فرهیختگان

«فرهیختگان» به بهانه سالروز حضور و سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای در جمع لشکر عاشورای تبریز بازخوانی می‌کند

عاشورا در لشکر باکری‌ها

فرهیختگان

مسعود پزشکیان به‌عنوان رئیس جمهور منتخب مردم ایران جمعه شب برای حضور در مراسم عزاداری سیدالشهدا در کنار رهبر انقلاب وارد حسینیه امام خمینی(ره) شد. حضور مسعود پزشکیان و رهبر انقلاب در قابی عاشورایی یادآور حضور آیت‌الله خامنه‌ای در میان لشکر ۳۱ عاشورا در محرم سال ۶۷ است. شب هفتم محرم سال ۱۴۰۳ پزشکیان در حسینیه امام خمینی میهمان رهبر انقلاب بود تا دیدار ۳۶ سال قبل را پاسخ داده باشد. شب هفتم محرم سال ۱۳۶۷ آیت‌الله خامنه‌ای در قامت رئیس جمهور وقت ایران پا در پادگان شهید باکری گذاشتند و میهمان لشکر عاشورا بودند. لشکر عاشورا همان لشکری است که شهید مهدی باکری فرماندهی آن را عهده‌دار بود و مسعود پزشکیان نیز به گفته خودش مسئولیت اکیپ‌های اضطراری آن را برعهده داشته است. رهبر انقلاب در این دیدار در جمع سپاهیان لشکر ۳۱ عاشورا به عزاداری و سخنرانی پرداختند. ایشان در سخنرانی عاشورایی خود به تشریح درس‌هایی پرداخته‌اند که از دل واقعه عاشورا قابل استخراج است. به همین بهانه ضمن مرور بخش‌هایی مهم از این بیانات به بازخوانی برخی دیدگاه‌های عبرت‌آموز رهبر انقلاب به واقعه عاشورا پرداخته‌ایم.

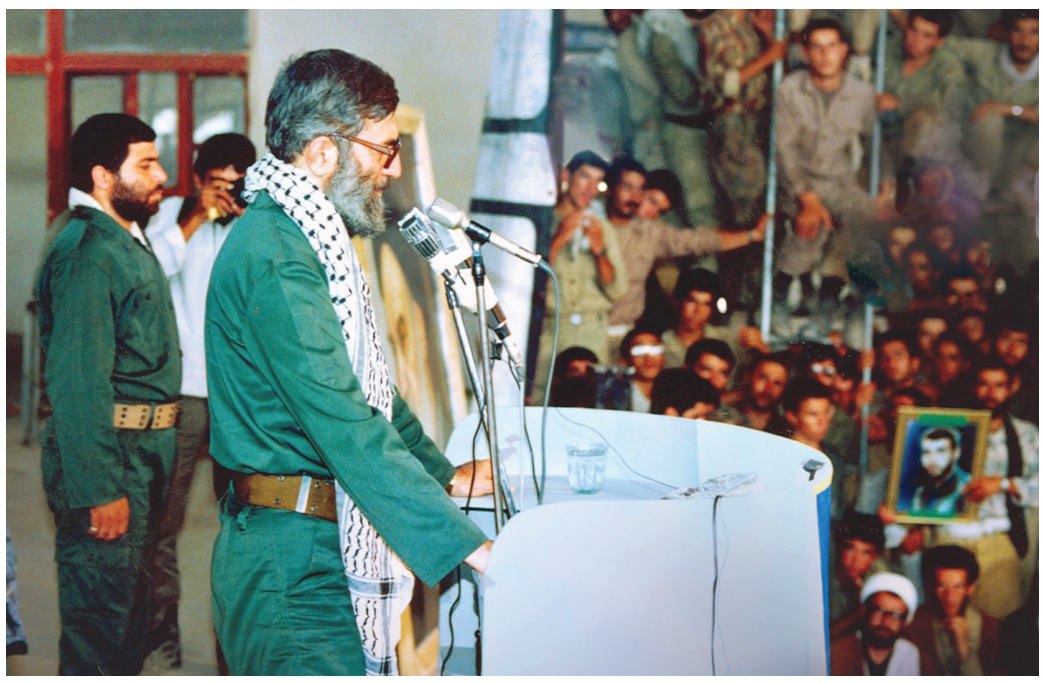

لشکر باکری

ازجمله مدافعان شهرهای خوزستان در روزهای اول جنگ، رزمندگان آذربایجان بودند که با امکانات شخصی و مشقت فراوان خود را به خوزستان رسانده بودند. براساس اسناد تاریخی علاوه بر سفر انفرادی از نقاط مختلف آذربایجان و مناطق ترک‌نشین کشور در همان یکی دو روز اول جنگ، دست‌کم ۲۰ گروه از آذربایجان شرقی، غربی و اردبیل به خوزستان سفر کرده و داوطلبانه به مصاف دشمن شتافته‌اند. تیپ۱ عاشورا که حدود ۷۰ درصد استعدادش را نیروهای آذربایجانی تشکیل می‌داد به دلیل رشادت‌ها و حماسه‌آفرینی آذربایجانی‌ها در دفاع از سوسنگرد و شکستن محاصره آن و دیگر مناطق جبهه، در اواخر اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۱ به استان آذربایجان شرقی تحویل و مهدی باکری که در عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس به‌عنوان جانشین حاج احمد کاظمی در تیپ نجف درخشیده بود به‌عنوان فرمانده تیپ عاشورا منصوب شد. لشکر عاشورا به خط شکن موسوم بود. طریق‌القدس، ثامن‌الائمه، بیت‌المقدس، فتح‌المبین، رمضان، مسلم ابن‌عقیل، خیبر، والفجر مقدماتی، والفجر۱، والفجر۲، والفجر۴، کربلای۵، کربلای۸، نصر، بدر، مرصاد ازجمله عملیات‌های مهم جنگ تحمیلی بودند که رزمندگان آذربایجان برای دفاع از کشور در آنها نقش آفرینی کردند. مهدی باکری فرمانده لشکر عاشورا اسفند سال ۶۳ در خلال اجرای عملیات بدر در روستای حریبه بر اثر اصابت گلوله مستقیم نیروهای عراقی شهید شد. سپس گروهی داوطلب برای بازگرداندن پیکر وی اقدام کردند که در حال بازگشت، قایق آنها مورد اصابت موشک آر.پی.جی قرار گرفت و پیکر تمام آنها در اروندرود مفقود شد. پادگان محل استقرار لشکر عاشورا نیز پس از این اتفاق نام شهید باکری به خود گرفت.

حضور رهبر انقلاب در پادگان دزفول

ماجرای حضور رهبر انقلاب در پادگان شهید باکری در کتاب «لشکر خوبان» به نقل از مهدی قلی رضایی، عضو واحد اطلاعات عملیات لشکر عاشورا این‌گونه روایت شده است. سال ۱۳۶۷ و پس از عملیات مرصاد، زمزمه‌هایی در لشکر۳۱ عاشورا به‌وجود آمد که احتمال دارد آقای خامنه‌ای، رئیس جمهور وقت به پادگان لشکر بیایند. پادگان لشکر۳۱ عاشورا در ۱۵ کیلومتری دزفول قرار داشت؛ پادگانی که مهندسی ساخت آن را شهید مهدی باکری انجام داده بود. من داشتم به پادگان فرماندهی می‌رفتم که متوجه شدم مجموعه ماشین‌هایی وارد لشکر شدند. سرعت را کم کردم تا غبار جاده بخوابد و ماشین‌ها بتوانند از ما سبقت بگیرند. از آینه نگاه می‌کردم که متوجه شدم در ماشین اولی آقای خامنه‌ای نشسته‌اند. من راهنما زدم که بفرمایید جلو. آقا قبول نکردند و اشاره کردند که به مسیر خود ادامه بدهیم. بعد که به محل پادگان فرماندهی رسیدیم، خدمت آقا رفتیم و سلام و احوال‌پرسی کردیم. به فرمانده گردان ما خبر دادند امشب با توجه به حضور آقای خامنه‌ای، بچه‌های رده‌های بالای فرماندهی برای جلسه به حسینیه فرماندهی بیایند. من هم با دوربینم رفتم. وارد حسینیه که شدم، دیدم آقا نشسته‌اند و در کنار ایشان هم سرلشکر سلیمی حضور دارد. دو روز به تاسوعای حسینی مانده بود. شام را خوردیم و بعد از آن مراسم عزاداری شروع شد. بچه‌ها کنار آقا حلقه عزاداری تشکیل دادند و شروع به سینه‌زنی کردند. آقا هم سینه‌زنی می‌کردند که من از این لحظات چند عکس گرفتم. پس از اتمام عزاداری آقا یک مقدار درباره سیره و تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام صحبت کردند و گفتند که من از این عزاداری سیر نشدم. فرمودند: «من می‌روم منطقه و اگر فرصت شد، روز تاسوعا برمی‌گردم.» روز تاسوعا ایشان مجددا به پادگان شهید باکری برگشتند.

درس فداکاری و دشمن‌شناسی در مدرسه عاشورا

رهبر انقلاب در دیدار از پادگان شهید باکری در میان سپاهیان لشکر عاشورا اولین و روشن‌ترین درس واقعه عاشورا را فدا شدن در راه خدا دانسته و در باب کاربرد این درس در دنیای امروز بیان داشتند: «ما امروز در مقابل سیاست‌هایی قرار گرفتیم در دنیا که با اسلام و انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی با همه وجود بدند. استکبار آمریکا، استکبار شوروی، ارتجاع منطقه، دولت‌هایی که دنباله‌رو آمریکا و شوروی هستند، همه اینها به نحوی انقلاب اسلامی را چون خاری بر چشم خودشان می‌شمارند. حاضر نیستند و مایل نیستند آن را تحمل کنند، فشارهای اقتصادی هست، فشارهای سیاسی هست، فشار نظامی هم که هشت سال تمام بود. ما در مقابل این فشارها مقاومت کردیم، باید هم مقاومت کنیم، باز هم مقاومت خواهیم کرد. کسی خیال نکند با تمام شدن جنگ مبارزه ما با کفر و استکبار جهانی تمام شد، شکلش عوض خواهد شد اما مبارزه باقی است.» ایشان در ادامه شناختن دشمن را درس دیگر واقعه عاشورا دانسته و در این باره توضیح دادند: «درس دیگر عاشورا شناختن دشمن است، غافل نشدن از دشمن، فریب نخوردن به ترفندهای دشمن. خیلی‌ها بودند آن روز که ظواهر آنها را کور کرده بود و نمی‌توانستند باطن امر را ببینند، خیلی‌ها بودند که خیال می‌کردند باید در مقابل آن وضع ساکت بمانند چون خیال می‌کردند علی‌الظاهر دین محفوظ است. حسین‌بن‌علی دشمن را در لابه‌لای این ظواهر شناخت، دشمن‌شناسی چیز مهمی است، اشتباه نکردن دشمن.» رئیس جمهور وقت ایران دشمن امروزی را این‌گونه معرفی کردند: «امروز هم دشمن حقیقی ما- یعنی استکبار- شرقی و غربی‌اش سعی می‌کنند در داخل کشور با دسته‌بندی کردن مردم، با خط و خطوط سیاسی، با اختلافات فرقه‌ای، با اختلافات شهری، با اختلافات استانی، اختلافات ایجاد کنند و برای مردم دشمن‌های دروغین و عوضی بتراشند. این هوشیاری درس بزرگ حسین‌بن‌علی است.»

عاشورا؛ صحنه عبرت

علاوه بر دروسی که آیت‌الله خامنه‌ای در میان لشکر عاشورا از واقعه کربلا ذکر کرده‌اند در بیاناتی که ایشان در دیدار با فرماندهان گردان‌های عاشورا در سال ۷۱ داشته‌اند عبرت‌های پندآموزی نهفته است. رهبر انقلاب در این دیدار واقعه عاشورا را از دو جهت «درس‌ها» و «عبرت‌ها» قابل تدبر و تامل دانستند. ایشان به‌طور خلاصه درس‌های عاشورا را این‌گونه برشمردند: «عاشورا درس می‌دهد که برای حفظ دین، باید فداکاری کرد. درس می‌دهد که در راه قرآن، از همه چیز باید گذشت. درس می‌دهد که در میدان نبرد حق و باطل، کوچک و بزرگ، زن و مرد، پیر و جوان، شریف و وضیع و امام و رعیت، با هم در یک صف قرار می‌گیرند. درس می‌دهد که جبهه دشمن با همه توانایی‌های ظاهری، بسیار آسیب‌پذیر است - همچنان که جبهه بنی‌امیه به‌وسیله کاروان اسیران عاشورا در کوفه آسیب دید، در شام آسیب دید، در مدینه آسیب دید و بالاخره هم این ماجرا به فنای جبهه سفیانی منتهی شد- درس می‌دهد که در ماجرای دفاع از دین، از همه چیز بیشتر، برای انسان، بصیرت لازم است. بی‌بصیرت‌ها فریب می‌خورند. بی‌بصیرت‌ها در جبهه باطل قرار می‌گیرند؛ بدون اینکه خود بدانند. همچنان که در جبهه ابن‌زیاد کسانی بودند که از فساق و فجار نبودند ولی از بی‌بصیرت‌ها بودند.» رهبر انقلاب در ادامه با بیان اینکه جهت دوم تدبر در واقعه عاشورا یعنی عبرت‌ها کمتر مورد پرداخت قرار گرفته، عبرت را این‌گونه معنی کردند: «غیر از درس، عاشورا یک صحنه عبرت است. انسان باید به این صحنه نگاه کند تا عبرت بگیرد. یعنی چه عبرت بگیرد؟ یعنی خود را با آن وضعیت مقایسه کند و بفهمد در چه حال و در چه وضعیتی است؛ چه چیزی او را تهدید می‌کند؛ چه چیزی برای او لازم است؟ این را می‌گویند عبرت.» در ادامه بخش‌هایی از بیانات رهبر انقلاب درمورد عبرت‌های عاشورا مرور می‌شود.

دنیا طلبی و معنویت‌زدایی؛ آفت جامعه اسلامی

اولین عبرتی که در قضیه عاشورا ما را به خود متوجه می‌کند، این است که ببینیم چه شد که ۵۰ سال بعد از درگذشت پیغمبر(ص) جامعه اسلامی به آن حدی رسید که کسی مثل امام حسین(علیه‌السلام) ناچار شد برای نجات جامعه اسلامی چنین فداکاری‌ای بکند؟... ما امروز یک جامعه اسلامی هستیم. باید ببینیم آن جامعه اسلامی چه آفتی پیدا کرد که کارش به یزید رسید؟ چه شد که ۲۰ سال بعد از شهادت امیرالمومنین(ع) در همان شهری که او حکومت می‌کرد، سرهای پسرانش را بر نیزه کردند و در آن شهر گرداندند. کوفه یک نقطه بیگانه از دین نبود. کوفه همان جایی بود که امیرالمومنین (علیه‌السلام) در بازارهای آن راه می‌رفت؛ تازیانه بر دوش می‌انداخت؛ مردم را امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد. قرآن جواب ما را داده است. قرآن آن درد را به مسلمین معرفی می‌کند. آن آیه این است که می‌فرماید: «فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلاة واتبعوا الشهوات فسوف یلقون غیا.» دو عامل، عامل اصلی این گمراهی و انحراف عمومی است؛ یکی دورشدن از ذکر خدا که مظهر آن نماز است. فراموش کردن خدا و معنویت؛ حساب معنویت را از زندگی جدا کردن و توجه و ذکر و دعا و توسل و طلب از خدای متعال و توکل به خدا و محاسبات خدایی را از زندگی کنار گذاشتن. دوم «واتبعوا الشهوات»؛ دنبال شهوترانی‌ها رفتن؛ دنبال هوس‌ها رفتن و در یک جمله: دنیاطلبی. به فکر جمع‌آوری ثروت، جمع‌آوری مال و التذاذ به شهوات دنیا افتادن.

انحراف در دنیای امروز سریع‌تر از صدر اسلام صورت می‌گیرد

رهبر انقلاب در این دیدار سرعت ذبح شدن فضیلت‌ها در دنیای امروز را بیشتر از صدر اسلام دانسته و نسبت به این خطر این‌گونه انذار دادند: «اگر روحیه بسیجی را از دست دادیم چه؟ اگر به جای توجه به تکلیف و وظیفه و آرمان الهی، به فکر تجملات شخصی خودمان افتادیم چه؟ اگر جوان بسیجی را، جوان مومن را، جوان با اخلاص را که هیچ چیز نمی‌خواهد جز اینکه میدانی باشد که در راه خدا مجاهدت کند در انزوا انداختیم و آن آدم پرروی افزون‌خواه پرتوقع بی‌صفای بی‌معنویت را مسلط کردیم چه؟ آن وقت همه چیز دگرگون خواهد شد. اگر در صدر اسلام فاصله بین رحلت نبی اکرم(ص) و شهادت جگرگوشه‌اش ۵۰ سال شد، در روزگار ما این فاصله خیلی کوتاه‌تر ممکن است بشود و زودتر از این حرف‌ها، فضیلت‌ها و صاحبان فضایل ما به مذبح بروند. باید نگذاریم. باید در مقابل انحرافی که ممکن است دشمن بر ما تحمیل کند، بایستیم. پس عبرت‌گیری از عاشورا این است که نگذاریم روح انقلاب در جامعه منزوی و فرزند انقلاب گوشه‌گیر شود.»

ایشان در ادامه دستاویز قرار دادن شعار سازندگی برای مادی‌گرایی را اشتباه توصیف کرده و بیان داشتند: «عده‌ای مسائل را اشتباه گرفته‌اند. امروز بحمدالله مسئولان دلسوز و علاقه‌مند و رئیس جمهور انقلابی و مومن بر سر کارند و کشور را می‌خواهند بسازند. اما عده‌ای سازندگی را با مادی‌گرایی اشتباه گرفته‌اند. سازندگی چیزی است، مادی‌گری چیز دیگری است. سازندگی یعنی کشور آباد شود و طبقات محروم به نوایی برسند... سازندگی کاری بود که علی‌بن‌ابی‌طالب(علیه‌السلام) داشت که حتی شاید در دوران خلافت هم -که حالا من این را تردید دارم. اما تا قبل از خلافت قطعی است- با دست خود نخلستان آباد می‌کرد؛ زمین احیا می‌کرد؛ درخت می‌کاشت؛ چاه می‌کند و آبیاری می‌کرد. این سازندگی است! دنیاطلبی و مادی‌طلبی، کاری است که عبیدالله زیاد و یزید می‌کردند. آنها چه وقت چیزی را به وجود می‌آوردند و می‌ساختند؟ آنها فانی می‌کردند؛ آنها می‌خوردند؛ آنها تجملات را زیاد می‌کردند. این دو را با هم اشتباه نباید کرد. امروز عده‌ای به اسم سازندگی خودشان را غرق در پول و دنیا و ماده‌پرستی می‌کنند. این سازندگی است؟! آنچه که جامعه ما را فاسد می‌کند، غرق شدن در شهوات است؛ از دست دادن روح تقوا و فداکاری است.»

اهداف نهضت عاشورا

درمورد اهداف واقعه عاشورا نیز رهبر انقلاب طی بیاناتی که در سال‌ها زعامت جامعه اسلامی داشته‌اند، نکات مهمی را مورد اشاره قرار داده‌اند که مرور برخی از آنها می‌تواند تصویر روشنی از وظایف نظام اسلامی ارائه دهد.

۱- تجدید بنای نظام و جامعه اسلامی

یک وقت مردم که فاسد می‌شوند، حکومت‌ها هم فاسد می‌شوند، علما و گویندگان دین هم فاسد می‌شوند! از آدم‌های فاسد، اصلا دین صحیح صادر نمی‌شود. قرآن و حقایق را تحریف می‌کنند؛ خوب‌ها را بد، بدها را خوب، منکر را معروف و معروف را منکر می‌کنند!... آن وقتی که راه، عوضی شده است و جهالت و ظلم و استبداد و خیانت کسانی، مسلمین را منحرف کرده و زمینه و شرایط هم آماده است، امام حسین قیام کرد تا آن واجب بزرگی را که عبارت از تجدید بنای نظام و جامعه اسلامی یا قیام در مقابل انحرافات بزرگ در جامعه اسلامی است، انجام دهد.

۱۳۷۴/۳/۱۹

۲- مبارزه تاریخی با جهل و ذلت

باطن قضیه قیام اباعبدالله، حرکت بزرگ‌تری است که... آن حرکت علیه جهل و زبونی انسان است. درحقیقت امام حسین اگرچه بایزید مبارزه می‌کند اما مبارزه گسترده تاریخی وی با یزید کوته عمر بی‌ارزش نیست، بلکه با جهل و پستی و گمراهی و زبونی و ذلت انسان است. امام حسین با اینها مبارزه می‌کند.

۱۳۷۹/۱/۲۶

۳- مقابله با انحراف بزرگ تبدیل امامت به سلطنت

با گذشت ۵۰ سال از حکومت پیامبر قضایا عوض شد... امامت به سلطنت تبدیل شد! ماهیت امامت با ماهیت سلطنت، مغایر، متفاوت و مناقض است. این دو ضد همند. امامت یعنی امامت، یعنی پیشوایی روحی و معنوی و پیوند عاطفی و اعتقادی با مردم اما سلطنت یعنی حکومت با زور و قدرت و فریب بدون هیچ‌گونه علقه معنوی و عاطفی و ایمانی. این دو درست نقطه مقابل هم است. امامت حرکتی در میان امت برای امت و در جهت خیر است. سلطنت یعنی یک سلطه مقتدرانه علیه مصالح مردم و برای طبقات خاص برای ثروت‌اندوزی و برای شهوت‌رانی گروه حاکم... در چنین شرایطی برای کسی مثل حسین بن علی که خود او همان امامی است که باید به جای پیامبر قرار گیرد فرصتی پیش آمد و قیام کرد.

۱۳۷۹/۱/۲۶

ترمیم شکاف‌ها؛ اولین ماموریت رئیس جمهور

میکائیل دیانی
فعال فرهنگی

مسعود پزشکیان در شرایط سخت و پیچیده‌ای به ریاست جمهوری ایران رسیده است. بیایید فرآیند چند ماهه اخیر را مرور کنیم. رئیس جمهور شهید که با یک اجماع جریانی روی کار آمده بود و سه سال گذشته را با تلاش‌های خستگی‌ناپذیر طی کرده بود در مسیر خدمت دچار سانحه هوایی شد و به همراه جمعی از یاران و همراهان به شهادت رسیدند. انتخابات زودهنگام به‌وقوع پیوسته و در شرایطی که پزشکیان نامزد جبهه اصلاحات است با جمعی مواجه است که هر یک خود را میراث‌دار شهید خدمت خطاب می‌کند. میزگردها و مناظره‌های انتخاباتی دچار حواشی‌ای شده که هرکس رئیس جمهور بعدی ایران شود این حواشی روی کار او اثر می‌گذارد؛ ازجمله آنچه محمد فاضلی در جلسه کارشناسی فرهنگی در حضور پزشکیان رقم زد و اتفاقا بخش عمده این حواشی اتفاق افتاده در فضای انتخابات محصول اطرافیان رئیس جمهور منتخب بوده است. به واسطه حضور افرادی چون محمدجواد ظریف، جواد آذری جهرمی، صالحی امیری و دیگرانی از دولت روحانی در ستاد پزشکیان عنوان «دولت سوم روحانی» نیز در فضای انتخابات بر پزشکیان سایه انداخته و او هرچه در مناظرات و گفت‌وگوها تلاش کرد از زیر این سایه خارج شود، چندان موفقیتی حاصل نکرد.

در طرف مقابل پزشکیان نیز تشتت آرا البته بالا بود. نمایندگان خودخوانده آیت‌الله شهید رئیسی از یک سو، حضور رئیس مجلس و همکار آیت‌الله رئیسی در شورای سران قوا از سوی دیگر و جدال درون جریانی اصولگرایان در سطوح مختلف نخبه و بدنه ایدئولوژیک و گفتمانی این جناح، امر ملی را برای رئیس جمهور منتخب به موقعیتی درهم‌تنیده تبدیل می‌کند. دست آخر هم نتیجه انتخابات بر این پیچیدگی افزود. رئیس جمهور منتخب با ۱۶,۵ میلیون رأی که به نسبت دیگر رئیس جمهورهای پیشین آرای کمتری است، به‌گونه‌ای آرای اکثریت را کسب کرد که در برابر یک اقلیت ۱۳,۵ میلیون نفری قرار گرفته که جامعه بزرگی به حساب می‌آیند.

این شرایطی که بخشی از آن در این مرقومه نگاشته شد، نشان می‌دهد رئیس جمهور منتخب برای ترمیم شکاف‌ها و کم کردن دوقطبی‌های موجود در جامعه و بین جمهور کار دشواری دارد. خاصه اینکه این تغییرات بایستی در سطح نخبگان و بدنه اجتماعی تسری پیدا کند و شاید بخشی از آن قاعده پایین به بالا داشته باشد. لکن بررسی عملکرد یک‌هفته‌ای رئیس جمهور منتخب نشان می‌دهد او تا حد زیادی، هم درک این موقعیت پیچیده را پیدا کرده و هم سیاست‌ورزی دقیق و درستی برای خارج کردن جامعه ایران از این وضعیت و رسیدن به نقطه اجماع ملی را در دستور کارش قرار داده است.

قدمی کوتاه برای ترمیم

شاید اولین قدم درست پزشکیان پیامی بود که به ستادهای انتخاباتی‌اش بعد از پیروزی داد و گفت با توجه به فرارسیدن ماه محرم، به احترام عزای سیدالشهدا از برگزاری جشن‌های پیروزی خودداری کنید. در همان روز اول به دیدار رهبر معظم انقلاب رفت و پس از آن اولین حضور اجتماعی‌اش را به‌جای قرار گرفتن پشت مجموعه میکروفون‌های رسانه‌های دنیا در کنفرانس خبری رئیس جمهور منتخب، در بین مردم و در حرم مطهر امام راحل(ره) برگزار کرد و تجدید بیعتی با امام براساس همان عهد سال ۵۷ داشت. در ادامه دیدار با سیاسیون از جناح‌های مختلف و به‌خصوص دیگر کاندیداهای ریاست جمهوری را با آغوش باز به انجام رساند. نامه‌ای که رئیس جمهور منتخب خطاب به سیدحسن نصرالله نوشت و بر مواضع اصولی جمهوری اسلامی ایران در حمایت از جبهه مقاومت و آزادی قدس شریف تاکید کرد، در کنار تماس‌هایش با سران مقاومت فلسطین و تکرار این سیاست اصولی یک پیام دقیق برای جامعه انقلابی ایران صادر کرد.

پزشکیان از فرصت محرم و هیات‌های مذهبی برای هم‌آغوشی با جامعه متدین و انقلابی استفاده بهینه را داشت و حضور در حسینیه هدایت پای منبر شیخ حسین انصاریان و همچنین حضور در هیات ریحانه‌الحسین و همنشینی با سیدمجید بنی‌فاطمه -که اتفاقا در انتخابات موضع صریح و حمایتی در مورد یکی از رقبای انتخاباتی پزشکیان داشت- یک پیام دیگر برای وحدت ملی بر سر ارزش‌ها و باورهای اصیل جامعه ایرانی داشت. او حتی از خانواده شهید رئیسی هم غافل نشد و دیدار با این خانواده با وجود آنکه در روزهای پایانی در بیانیه‌ای به صورت رسمی از جلیلی به‌عنوان رقیب پزشکیان حمایت کرده بودند، مورد توجه رئیس جمهور منتخب قرار گرفت. پزشکیان با حضور در خانه شهید رئیسی و دیدار با خانواده ایشان یاد او را گرامی داشت. او در قاب‌هایی به همراه دختر و نوه کودک خود که حجابی کامل و چادری ساده بر سر داشت حاضر شد تا یک پیام دیگر به جامعه برای کاهش شکاف‌ها و دوقطبی‌ها بدهد و آن اینکه من مثل همه مردم ایران هستم و خانواده‌ام نیز مثل خانواده همه ایرانیان است.

فرآیند طی شده در یک هفته اخیر از سوی رئیس جمهور منتخب، راهی بود که بدنه اجتماعی و نخبگان جامعه در بازه‌ای طولانی و فرسایشی باید طی می‌کردند تا ترمیمی بر شکاف‌ها و کاهش دوقطبی‌ها شود اما مسعود پزشکیان توانست با توجه به نگرش دینی تحبیب قلوب و گسترش روابط فیمابین مومنان به خوبی این مسیر را طی کند. در درستی این طی طریق صحیح نیز همین بس که رادیکال‌های هر دو سو به او حمله‌ور شده‌اند. همان جریانی که حاج قاسم را مورد توهین قرار می‌داد که از یک موضع اصولی روحانی تقدیر کرده بود، امروز رئیس جمهور منتخب و آن بخش از جریان انقلابی را که از عملکرد یک هفته اخیر پزشکیان تقدیر کرده، تخطئه می‌کنند. همان جریانی که از رئیس جمهور منتخب توقع مواجهه در برابر حاکمیت را دارد!

قدم اساسی ترمیم

مسعود پزشکیان مسیر درستی را طی می‌کند اما حتما این جلسات برای ترمیم که بخش لازم اجماع ملی است، کافی نیست و برای کفایت بایستی در برابر تندروی در بزنگاه تشکیل کابینه و دست‌فرمان دولت چهاردهم نیز این نگاه ملی، اجماعی و شایسته‌سالارانه که منجر به ایجاد امید در جامعه و وفاق عمومی شود را داشته باشد. مسعود پزشکیان در مناظرات انتخاباتی نتوانست خود را از دولت روحانی جدا کند و رفت‌وآمدهای اطراف او و احکامی که تا امروز صادر کرده -خاصه ریاست شورای راهبردی انتقالی دولت برای ظریف- نشان می‌دهد او با دولت روحانی در حال مستحکم‌تر شدن است. این درحالی است که هم عملکرد دولت روحانی و وضعیت دهه ۹۰ پیش چشم ایرانیان است و از آن به‌عنوان دوران تلخ رکود دهه ۹۰ و رشد اقتصادی یک درصدی یاد می‌کنند و هم با قول‌های پزشکیان در مناظرات و گفت‌وگوهای انتخاباتی‌اش که با تاکید بر استفاده از کارشناسان و خبرگان شایسته بدون نگاه سیاسی و جناحی بود، در تعارض است. درواقع فرآیند یک هفته اخیر رئیس جمهور اگرچه حائز تقدیر است اما آنچه برای رئیس یک دولت اولویت بالاتری دارد و می‌شود بدان به نگاه زیرساختی و زیربنایی ترمیم اجتماعی نگاه کرد، شکل‌دهی کابینه‌ای خبره و کارشناس و باتجربه است که بتوانند مشکلات را از پیش رو بردارند و این می‌تواند سنجه عمومی در مورد عملکرد او از کاهش شکاف‌ها و دوقطبی‌ها و بهبود شرایط عمومی مورد انتظار باشد. شکل‌دهی یک کابینه فراجناحی و مبتنی بر شایسته‌سالاری به شعار اجماع ملی جامه عمل می‌پوشاند و به احتمال زیاد آغوش نخبگان از هر سمت و جناحی را برای کمک به دولت باز می‌کند.

حتما برای رئیس قوه مجریه تشکیل آن کابینه مدنظر، به مثابه مشی عملی رئیس جمهور ایران به ترمیم شکاف‌ها و تثبیت گزاره «ایران برای همه ایرانیان» الزامی‌تر است و شاخص ارزیابی اصلی برای عملکرد او نه یک هفته گذشته بلکه یک ماه پیش رو است.